

متن پرسش

سلام علیکم استاد جان: شرمنده که باز هم مزاحمتون می‌شم. در پی پاسخی که به سوال شماره ۲۴۶۷۲ فرموده اید و در نهایت فرمودید (همین شرایط، مأوایی است برای شما که همه چیز به کمک شما می‌آیند تا به آن چه خدا برای شما مقدر کرده است برسید) خواستم بگویم استاد عزیزم شما ایمانتون زیاده شما با تقدیرات الهی عشق میکنین هرچند تلخ باشد به قول خودتان که در بلا هم میچشم الطاف او. اما من چه کنم که ایمان شما رو ندارم. برام واقعا سخته که این همه سختی و دست تنهایی رو بپذیرم. گاه به رحمت خدا هم در ناامیدیهایم شک می‌کنم. استاد عزیزم شما در مصیبتتون هم با خدا عشق میکنین. منی که عاشق نیستم چطور به این همه تلخی راضی شوم؟ به اینکه تقدیر خدا اینقدر تلخ و سخت برام رقم خورده وقتی گاهی اوقات دلم می‌خواهد از این شرایط بمیرم. ببخشید استاد جان وقت گرانبهاون رو با حرفهام گرفتم. در این چند سال که اینقدر اذیت شدم کتابها و سیر مطالعاتی آثار شما این شرایط رو برام تحمل پذیر کرده. ممنونم استاد جان. خیلی التماس دعا. ببخشید مصدع شدم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بخواهید و نخواهید «کارساز ما به فکر کار ماست / فکر ما در کار ما آزار ماست». هزار نقشه برای خودتان دارید، ولی خدایی که ربّ شما است می‌داند که شما با کدام نوع از زندگی به آن نتایجی که نیاز حقیقی شما است می‌رسید و در این‌جا است که به دعاهای شما در این دنیا از سر ربوبیت‌اش توجه نمی‌کند، و کار خودش را می‌کند و بعداً در همین دنیا خواهید فهمید که چرا به نامه‌ها و تقاضاهای شما گوش نداد و در آن رابطه، توحید شما برای بهترین زندگی در ابدیت چندین و چندین برابر می‌شود. لذا او به زور هم که شده امثال شما خواهران که کم هم نیستید؛ می‌خواهد بهشتی کند و شما هم در تقلایی‌اید که از این تقدیر مبارک، شانه خالی کنید، ولی او «علیم حکیم» است. می‌داند با دوستانش چه کار کند. موفق باشید